آسیب‌شناسی وضعیت این روزهای مهدهای کودک در میزگرد «وطن امروز»

نبود انسجام در نظام آموزشی مهدهای کودک

حوزه «کودک» یک متولی مشخص ندارد

■ علی البرزی - محسن پورعرب ■

عکس: کامیار خطیبی/وطن امروز

«کودک» نه‌تنها واژه‌ای مهم است، بلکه یک عضو حیاتی در ساختار جمعیتی به حساب می‌آید. در کشورهای گوناگون با توجه به فرهنگ خود، برای کودک، آموزش‌های مورد نیاز او و کیفیت این آموزش‌ها، برنامه‌های گسترده‌ای دارند. بسیاری از کارشناسان و جامعه‌شناسان بر این باورند که «کودک» رکنی اساسی برای پیشرفت یک کشور در بخش‌های گوناگون است. برای تعدادی از کشورها این موضوع دارای اهمیت ویژه‌ای است، چرا که می‌خواهند کودکان‌شان در آینده پایه‌های محکم و استوار پیشرفت همه‌جانبه کشورشان باشد.
در کشور ما هم بی‌شک یکی از دغدغه‌های اصلی متولیان حوزه کودک، سرمایه‌گذاری روی این بخش برای آینده است اما آنچه از شواهد موجود و خبرهایی که هر از گاهی منتشر می‌شود برمی‌آید، وضعیت برخی مراکز که وظیفه نگهداری از کودکان را در کشور بر عهده دارند، از نظر کیفیت آموزش و موضوعات مرتبط چندان رضایت‌بخش نیست و دلسوزان و کارشناسان حوزه کودک نسبت به این موضوع نگرانند.
برای بررسی بیشتر وضعیت مهدهای کودک در کشور و همچنین آسیب‌شناسی این مراکز با تعدادی از کارشناسان و متولیان کودک و مهدهای کودک به گفت‌وگو نشستیم. میزگردی که برای نخستین‌بار در سطح رسانه‌های مکتوب با حضور کارشناسانی از بخش‌های گوناگون مرتبط با مباحث کودک برگزار شد. «رضا پورحسین» و «فاطمه قاسم‌زاده» از فعالان حوزه کودک، «سیداحمدرضا محمدیان» مسؤل کانون مهدهای کودک استان تهران، «معصومه کرمی» کارشناس کودک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، «پروانه ثمودی» مسؤول مهدکودک‌های بهزیستی استان تهران و «معصومه حسن‌زاده» مدیر یک مهد کودک استان تهران در این میزگرد حضور داشتند و به طرح دیدگاه‌های خود درباره وضعیت مهدهای کودک پرداختند که ماحصل آن پیش روی شماست.

■ سال‌هاست درباره وضعیت نه‌چندان مناسب تعدادی از مهدهای کودک برای ارائه محتوای آموزشی مطالب گوناگونی مطرح می‌شود؛ به نظر شما در شرایط کنونی مهدهای کودک از نظر کیفیت آموزش و پرورش در جایگاه مناسبی قرار دارد و در شأن نظام است؟

قاسم‌زاده: اگر بخواهیم موضوع آسیب‌ها و چالش‌های مهدهای کودک را بررسی کنیم، باید از ابعاد گوناگون این موضوع را ارزیابی کرد. یکی از مهم‌ترین موضوعات مربوط به مهدهای کودک میزان پوشش کودکانی است که در رده سنی مهد کودک قرار دارند. کودکان بسیاری از رفتن به مهدهای کودک باز مانده‌اند، دلیلش هم این است که مهدهای کودک دولتی نیستند و توسط بخش خصوصی اداره می‌شوند. میزان پوشش کودکانی که در این رده سنی هستند متاسفانه در شأن نظام نیست، چرا که برخی خانواده‌ها به دلیل مشکلات اقتصادی و فقر نمی‌توانند کودکان‌شان را به مهد بفرستند. در حال حاضر در دنیا یکی از مهم‌ترین معیارهای توسعه‌یافتگی کشورها میزان تحت پوشش قرار گرفتن کودکان پیش از دبستان از نظر آموزشی است. بر اساس شاخص‌های بین‌المللی اگر میزان تحت پوشش قرار گرفتن کودکان زیر ۶ سال از آموزش بیش از ۷۵ درصد باشد، آن کشور توسعه یافته است، این در حالی است که در حال حاضر جامعه ما با این شاخص فاصله زیادی دارد. یکی دیگر از موضوعاتی که امروز به شکل آسیب برای کودکان درآمده است، گروه‌بندی کودکان زیر ۶ سال است. از نظر مدیریتی در این حوزه نیز دچار مشکل هستیم. در حال حاضر به جای اینکه مقطع زیر ۶ سال یک مقطع واحد باشد به ۲ گروه تا ۴ سال و ۴ تا ۶ سال تقسیم شده که مدیریت این ۲ رده سنی به ۲ سازمان متفاوت یعنی بهزیستی و آموزش و پرورش سپرده شده است. تقسیم کودکان به رده‌های سنی متفاوت برخلاف اصول است که نشان می‌دهد در این حوزه از نبود مدیریت یکپارچه رنج می‌بریم. باید همانند سایر رده‌های سنی که ۶ سال اول و ۶ سال دوم داریم، یک مقطع ۶ سال ابتدایی نیز داشته باشیم، بنابراین مشاهده می‌کنیم که اگر بخواهیم حوزه مهدهای کودک را آسیب‌شناسی کنیم می‌توانیم از زوایای گوناگون به بررسی این موضوع بپردازیم.

■ آقای پورحسین! از نگاه شما مهم‌ترین چالش‌هایی که مهدهای کودک با آنها مواجهند، چیست؟

پورحسین: داستان مهدهای کودک این روزها پر از آسیب است که در شأن نظام تحولی جمهوری اسلامی نیست. دلیل مهم این آسیب‌ها همان‌طور که اشاره شد نبود یک اندام‌وارگی است. به همین دلیل فکر می‌کنم پیش از اینکه آسیب‌ها را احصا کنیم، باید چرایی به وجود آمدن آسیب را بررسی کنیم، زیرا تا زمانی که دلیل ایجاد آسیب‌ها مشخص و حل نشود، این مسیر اشتباه همچنان ادامه خواهد داشت. در حال حاضر یک سیر تکامل و رشد برای کودک وجود دارد که در این سیر خانواده، مهد کودک و آموزش و پرورش وجود دارند. متاسفانه در این بین یک انفکاک شکل گرفته است. به دلیل اینکه چند سازمان تجمیع و سازمان بهزیستی را تشکیل دادند، ماموریت اداره مهدهای کودک که ربطی به ماموریت این سازمان ندارد به بهزیستی سپرده شد. بنابراین اگر قرار باشد سیر تکامل و رشد کودک بدرستی طی شود باید حلقه‌های زنجیر در ادامه یکدیگر باشند، بدین معنی که ماموریت اداره بهزیستی نیز باید به آموزش و پرورش سپرده شود. در اینجا منظور وزارت آموزش و پرورش نیست، بلکه قرار گرفتن مهدهای کودک در پازل آموزشی و پرورشی کشور است. علاوه بر این باید به دوران طلایی کودکی توجه ویژه‌ای شود. سرعت رشد و یادگیری در کودک بالاست، بنابراین باید این دوره طلایی در خدمت نظام تحولی آموزش و پرورش باشد نه سازمانی که ماموریتش آموزش و پرورش نیست! در سیر تکاملی کودک امروز نه خانواده‌ها از آموزش و دانش کافی تربیت کودک برخوردارند و نه بهزیستی در کنار هزار و یک وظیفه مهم و سخت می‌تواند این ماموریت مهم را بدرستی انجام دهد. نتیجه چنین پراکندگی این است که امروز با وجود اینکه مهدهای کودک آیین‌نامه مشخصی دارند اما از آنجا که این آیین‌نامه ذیل نظام آموزش و پرورش قرار نگرفته، هر مهدکودکی یک برنامه آموزشی متفاوت با دیگر مهدها دارد. نکته دیگری که باعث شده مهدهای کودک تحت تاثیر آسیب‌های متفاوت قرار بگیرند، نبود یک متولی مشخص برای کودکان است. کودک بین خانواده، مهدکودک و مدرسه در حال پاسکاری شدن است. نبود یک متولی مشخص برای مقطع کودکی پیش از مدرسه باعث شده این مقطع دیده نشود.

سرعت رشد و یادگیری در کودک بالاست، بنابراین باید این دوره طلایی در خدمت نظام تحولی آموزش و پرورش باشد نه سازمانی که ماموریتش آموزش و پرورش نیست! در سیر تکاملی کودک امروز نه خانواده‌ها از آموزش و دانش کافی تربیت کودک برخوردارند و نه بهزیستی در کنار هزار و یک وظیفه مهم و سخت می‌تواند این ماموریت مهم را بدرستی انجام دهد. نتیجه چنین پراکندگی این است که امروز با وجود اینکه مهدهای کودک آیین‌نامه مشخصی دارند اما از آنجا که این آیین‌نامه ذیل نظام آموزش و پرورش قرار نگرفته، هر مهدکودکی یک برنامه آموزشی متفاوت با دیگر مهدها دارد. نکته دیگری که باعث شده مهدهای کودک تحت تاثیر آسیب‌های متفاوت قرار بگیرند، نبود یک متولی مشخص برای کودکان است

محمدیان: اگر بخواهیم به این پرسش پاسخ درستی بدهیم باید توجه کنیم که امروز در حوزه کودک خلأ قانون‌گذاری داریم. چه در اسناد بالادستی و چه در قانون اساسی آنطور که باید حوزه کودک دیده نشده است. با این حال اگر قرار باشد مهدهای کودک را آسیب‌شناسی کنیم باید به یکسری موارد توجه کنیم. بر اساس آخرین آمار، ۱۵ هزار و ۲۰۰ مهدکودک در کشور وجود دارد که به ۳ شاخه مهدهای کودک شهری، روستایی و حاشیه شهر گروه‌بندی می‌شوند. از این تعداد حدود ۷ هزار مهدکودک شهری است که از این تعداد حدود ۸۰۰ مهدکودک در استان تهران قرار دارد. امروز در حوزه کودک فعالیت‌های بسیاری انجام می‌شود و چندین سازمان و موسسه در این حوزه فعالیت می‌کنند اما باید توجه کنیم که تمام این فعالیت‌های سازمانی و موسساتی از مجموعه فعالیت‌هایی نیست که در مهدهای کودک انجام می‌شود و متاسفانه تبعات چنین فعالیت‌هایی به نام مهدهای کودکی تمام می‌شود که بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی از بهزیستی مجوز گرفته‌اند. ۱۴ نهاد حاکمیتی در حوزه پیش از دبستان فعالیت می‌کنند، علاوه بر این موسسات پژوهشی و آموزشی نیز در حوزه کودک فعالیت دارند، با این حال همان‌طور که اشاره شد تنها ۸۰۰ مهدکودک در تهران مجوز رسمی از سازمان بهزیستی دارند که تمام این مهدهای کودک پاسخگوی فعالیت‌های‌شان هستند، بنابراین باید دقت کنیم که منظور از آسیب‌شناسی مهدهای کودک، مهدهای تحت نظارت سازمان بهزیستی است یا تمام فعالیت‌هایی که در حوزه کودک و به اسم مهدکودک انجام می‌شود.

■ همان‌طور که اشاره شد یکی از آسیب‌های فراگیر حوزه کودک تعدد سازمان‌ها و مؤسساتی است که در این حوزه فعالیت می‌کنند و شاید امروز همان فعالیت‌هاست که نقش سازمان بهزیستی در اداره مهدهای کودک را تحت‌الشعاع قرار داده است؛ نوع فعالیت ۱۴ سازمانی که اشاره داشتید چگونه است یا بهتر بگوییم، در حوزه کودک چگونه باید باشد؟

محمدیان: سازمان‌هایی که در حوزه کودک پیش از دبستان یعنی سن ۱ تا ۶ سال فعالیت می‌کنند، به این شکل است که با تشکیل یک مرکز نگهداری و جذب کودک و ارائه خدمات، در حوزه کودک فعالیت می‌کنند اما بر اساس قانون، بهزیستی متولی اصلی مهدهای کودک است. بر اساس مصوبه سال ۶۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی مسؤولیت مهدهای کودک به بهزیستی سپرده شده است و در هیچ سند بالادستی و قانونی، مصوبه و بندی برای فعالیت سایر سازمان‌ها و موسسات به عنوان متولی مهدهای کودک نداریم. باید به این نکته توجه کنیم که کودک پیش از دبستان به ۲ مقطع سنی تا ۴ سال و ۴ تا ۶ سال تقسیم شده است. نوع نظام آموزشی در این دو مقطع رسمی غیراجباری تا سن ۴ سال و رسمی اجباری ۴ تا ۶ سال است. غیراجباری بودن دوره مهدکودک باعث شده تخلفاتی از سوی برخی مدارس غیردولتی و پیش‌دبستانی‌ها انجام شود، مثلا با به رسمیت نشناختن دوره‌های سپری شده، خانواده را ملزم می‌کنند که فرزندشان دوره مهدکودک را زیر نظر موسسه یا مدرسه خودشان سپری کند. این موارد محل مناقشه ۲ سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش است که ریشه در گذشته نیز دارد و تاکنون هم‌پوشانی این دو دوره انجام نشده است.

■ به نظر می‌رسد این مناقشه قرار نیست حل شود، چرا که هیچ یک از این دو سازمان انگار نمی‌خواهند متولی اصلی شوند و ترجیح می‌دهند این مسیر به همین شکل که تا امروز طی شده از این پس هم ادامه پیدا کند؛ نظر شما چیست؟

محمدیان: مجلس در دی ماه سال ۹۵ تا حدودی تکلیف این ماجرا را مشخص کرد. نمایندگان در تبصره ۲ ماده ۲ قانون مدارس غیردولتی، تعیین شاخص‌های آموزشی و پرورشی و تدوین محتوا و نظارت بر مهدهای کودک از حیث آموزشی و پرورشی را به وزارت آموزش و پرورش و صدور مجوز و ارائه برنامه را به سازمان بهزیستی محول کردند. پس از تصویب این قانون قرار شد تا ۳ ماه بعد آیین‌نامه اجرایی این مصوبه نوشته شود و سپس در هیات وزیران تصویب و لازم‌الاجرا شود تا کشمکش‌های چند ساله خاتمه یابد. پس از این در اردیبهشت ماه سال جاری در کمیته فرعی کمیسیون اجتماعی دولت ۶ جلسه برای بررسی آیین‌نامه پیشنهادی برگزار شد اما متاسفانه تعیین تکلیف نشد. این موضوع باعث شده کماکان این حوزه (کودک) بلاتکلیف بماند. این بلاتکلیفی دستمایه سازمان‌های متفاوتی شده که اجازه پیدا کردند در این حوزه فعالیت‌هایی داشته باشند. برای مثال در حال حاضر در شهرداری تهران ۳ مرکز در حال فعالیت در حوزه پیش از دبستان هستند؛ سازمان فرهنگی- هنری، خانه‌های سلامت و غنچه‌های شهر. علاوه بر این غنچه‌های هلال مربوط به سازمان هلال‌احمر نیز در این حوزه فعالیت دارد. موسسه‌های قرآنی نیز دیگر مراکزی هستند که در این حوزه فعالیت می‌کنند، در این باره باید به دارالقرآن‌هایی اشاره کنیم که در کشور بالغ بر ۷۰۰ شعبه تاسیس کرده‌اند و با عنوان پیش‌دبستانی قرآنی فعالیت می‌کنند. در شرایطی که با تعدد سازمان‌های متولی حوزه کودک مواجهیم، آنطور که باید نمی‌توانیم به بررسی نقش بهزیستی و آموزش و پرورش بپردازیم.

پورحسین: به نظر من باید این موضوع را فراتر از اینها ببینیم. جناب محمدیان شرایط کنونی را توصیف کردند. اشاره شد به اینکه قانون محتوا و نظارت بر محتوا را به آموزش و پرورش و صدور مجوز را به بهزیستی واگذار کرده است؛ این اشتباه است! این قانون باید تغییر پیدا کند، در اینجا صحبت از نقش بهزیستی یا آموزش و پرورش نیست.
ما اگر بخواهیم مسیر رشد کودک تا بزرگسالی را طی کنیم نیاز به پیمودن یک خط رشد واحد داریم. اینکه آموزش را به یک نهاد و صدور مجوز را به یک نهاد دیگر بسپاریم تعارض است. در این باره شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس باید تجدید نظر کنند تا این خط از آموزش تا صدور مجوز و پرورش کودک یکنواخت شود. با توجه به اینکه سیاست جمعیتی را پذیرفته‌ایم، مهدهای کودک با افزایش پذیرش کودک همراه خواهند شد، بنابراین باید چند سال آینده را ببینیم تا دچار مشکل نشویم. اما اینکه امروز موضوع کودک بین دو سازمانی بهزیستی و آموزش و پرورش در حال پاسکاری شدن است به این دلیل است که آموزش و پرورش اداره دوره سخت ابتدایی را دارد، بنابراین حاضر نیست به لحاظ اجرایی این حوزه را قبول کند. این در حالی است که این سازمان از ارائه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و آیین‌نامه استقبال می‌کند.

قاسم‌زاده: لازم است درباره برنامه‌هایی که در دوره بهزیستی اجرا می‌شود توضیحاتی داده شود. برنامه بهزیستی یک برنامه تمام علمی است که مبتنی بر رشد و تحول همه‌جانبه کودک است. در حال حاضر اشکالی در برنامه بهزیستی وجود ندارد و این در حالی است که در مقابل، برنامه آموزش و پرورش یک برنامه نامفهوم است. این برنامه نشات گرفته از سند تحول بنیادینی است که هنوز ابعاد آن برای خانواده و مسؤول آموزش مشخص نیست. برای مثال منظور از رساندن کودک به حیات طیبه چیست؟ آیا قرار است کودک را در زیر گروه موضوعات دینی قرار دهیم؟ یعنی حجم مطالب دینی را اینقدر بالا ببریم که به حیات طیبه برسد! این یک برداشت شخصی به عنوان فردی است که سال‌ها در حوزه کودک فعالیت کرده است. بنابراین برداشت‌ها از این عنوان نامفهوم متفاوت است. سند تحول تا زمانی که این ابهامات را رفع نکند یک سند نامفهوم باقی خواهد ماند، بنابراین به جرات می‌توان گفت برنامه‌ای که در بهزیستی اجرا می‌شود، به مراتب از برنامه‌ای که در آموزش و پرورش اجرا می‌شود بهتر و قابل فهم‌تر است.

پورحسین: درباره موضوع سند تحول بنیادین لازم به یادآوری است که این یک سند است نه یک برنامه! زمانی که صحبت از حیات طیبه می‌شود در واقع جهت رشد کودک را نشان می‌دهد. اگر در این سند حیات طیبه را در نظر نگیریم مسیر رشد طبیعت‌نگر خواهد شد. رشد طبیعت‌نگر یعنی کودک یک لوح سفید است، در حالی که در تعلیم و تربیت اسلامی کودک لوح سفید نیست، بلکه بر اساس کلام حق کودک «خلق فسوی» یا همان تسویه شده است. در واقع در نظام تربیتی طبیعت‌نگر، کودک خالی است و متاسفانه در حال استفاده از آن در نظام آموزشی‌مان است و تلاش داریم کودک را پر کنیم. در مقابل در نظام تربیتی اسلامی که همان رسیدن به حیات طیبه است، نوع نگاه فطری‌نگر است و سعی در شکوفا کردن کودک داریم.

کرمی: تا اینجا اظهارات متفاوتی درباره کودک و نظام آموزشی کودک مطرح شد اما لازم می‌دانم به خود کودک اشاره کنم که در آسیب‌شناسی مهدهای کودک کمتر به آن پرداخته می‌شود. خارج از بحث محتوا و محیط مهدهای کودک، کودک از اهمیتی بالایی برخوردار است تا جایی که نیاز به یک بازنگری نو و تازه در نظام آموزشی و تربیتی داریم. کودک همانند لوحی کامل است که وظیفه شکوفا کردن استعدادهایش را داریم. در واقع کودک طبق آخرین تحقیقات انجام شده دارای یک ۵ سال طلایی ابتدایی است اما در نظام کنونی آموزشی کشور ما، کودک را به ۳ بخش صفر تا ۴ سال، ۴ تا ۶ سال و ۶ سال به بعد تقسیم کرده‌ایم. در این حالت نمی‌توانیم با آموزش‌های متفاوت و برنامه‌های متغیر، استعدادهای آن لوح همه چیز تمام را شکوفا کنیم. از سویی اینکه بخواهیم آموزش‌های رسمی را که از سن ۷ سالگی به بعد آغاز می‌شود به سنین زیر ۷ سال منتقل کنیم اشتباه است. در واقع تمام آموزش‌های زیر ۷ سال باید به صورت غیررسمی و غیرمستقیم در قالب بیان قصه، فعالیت خلاق و تئاتر ارائه شود تا بتوان استعدادهای کودک را شکوفا کرد. اما اگر بخواهیم آسیب‌های مهدهای کودک را بررسی کنیم، در قدم اول باید به مربیانی اشاره کنیم که در حال تربیت کودکان هستند. بخش زیادی از آموزش‌هایی که در مهدهای کودک ارائه می‌شود، آموزش‌های تجویزی است، نه آموزش‌های مبتنی بر پرورش و خلاقیت! به همین دلیل است که خروجی مهدهای کودک، کودکانی است که به صورت سری، شعر خواندن و آداب معاشرت آموخته‌اند. باید گفت وضعیت مهدهای کودک در مقطع آسیب‌شناسی نیست، بلکه اسفناک است.

قاسم‌زاده: به نظر من اطلاعاتی که شما درباره وضعیت مهدهای کودک مطرح کردید نیازمند پژوهش بیشتری است. صرف شنیدن شرایط بعضی از مهدها نمی‌توان حکم قطعی درباره تمام مهدهای کودک داد.

کرمی: اطلاعاتی که من درباره وضعیت مهدهای کودک ارائه کردم مربوط به ۶۰ مرکز مرتبط با کانون پرورش فکری کودکان است که در سطح شهر تهران هستند. در این مراکز نشست‌های مشترکی را با والدین برگزار می‌کنیم. در نشست‌هایی که تا به حال برگزار شده به این نتیجه رسیدیم که والدین از آموزش‌های ارائه شده در مهدهای کودک رضایت کامل ندارند. با توجه به نوع فعالیت مهدهای کودک کنونی، بیشتر به نگهداری کودک توجه می‌شود تا تعلیم و تربیت. درست است که با توجه به شرایط فعلی جامعه که زنان دوشادوش مردان در حال فعالیت هستند، خانواده‌ها نیاز به مراکز مراقبت از کودکان دارند اما نباید تمام فعالیت‌ها به این یک مقوله ختم شود. علاوه بر این با توجه به عملکرد کشورهای توسعه‌یافته در بحث آموزش و تربیت کودک مشاهده می‌کنیم که از باسابقه‌ترین و بادانش‌ترین افراد استفاده می‌شود اما در کشور ما از افرادی استفاده می‌شود که از نظر مالی دچار مشکل هستند و این افراد عهده‌دار تعلیم و تربیت کودک می‌شوند. این حوزه از لحاظ مربیگری و بار محتوایی که خوراک کودکان به حساب می‌آید نیاز به بازنگری اساسی دارد.

قاسم‌زاده: انجمن پویا بیش از ۹۰ مهدکودک را در اختیار دارد، در این انجمن کارگاه‌ها و نشست‌های آموزشی و بازدید از مهدها به صورت مداوم در جریان بوده و مواردی را که خانم کرمی گفتند مشاهده نکرده‌ام که مهدها مکانی تنها برای مراقبت از کودکان باشند. این مهدها برنامه‌های خوبی را برگزار می‌کنند، آقای محمدیان این نکات را بیشتر می‌دانند، حداقل مربیان مهدهای کودک افرادی با مدرک دیپلم هستند که باید دوره‌های تخصصی را گذرانده باشند و با گرفتن کارت مربیگری مشغول به کار شوند، شاید در سال‌های قبل افراد بی‌بضاعت به مهدها می‌آمدند تا بتوانند درآمدی کسب کنند اما این موارد در حال حاضر دیگر مشاهده نمی‌شود. انتظار داریم کارشناسان مربوط با تحقیق و پژوهش در این باره سخن بگویند که صحبت‌ها جنبه علمی داشته باشد. ارزشیابی بهزیستی از مهدهای کودک موجود بوده و می‌توانید برای آگاهی آن را مطالعه کنید.

کرمی: شاید مواردی را که گفتم مربوط به مهدهای کودکی باشد که مجوز نداشته باشند که حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ مهدکودک هستند.

قاسم‌زاده: شاید این مواردی را که گفتید در مهدهای کودک غیرمجاز مشاهده شود اما باید حساب این امکان را با مهدهای قانونی جدا کرد و جمع نبندیم.

■ اما این روزها برای مثال در سیستم آموزش و پرورش کشور مدارس غیردولتی و دولتی وجود دارد؛ آموزش و پرورش توانسته مدارس غیردولتی را ساماندهی کرده و معاونتی را در سازمان برای آن ایجاد کند و تمام مطالب آموزشی این مدارس زیر نظر و با دستور سازمان آموزش و پرورش است، چرا سازمان بهزیستی هم همین کار را انجام نمی‌دهد؟ چرا این موضوع رها شده مانده و ساماندهی مناسبی انجام نمی‌شود؟

محمدیان: ۲ دیدگاه درباره این موضوع وجود دارد، سازمان بهزیستی دستورالعملی را برای مهدهای کودک دارد که بسان قانون اساسی این سازمان برای مهدهای کودک است، پیرو بند یک ماده ۲۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب مجلس در سال ۱۳۸۰ تصویب شده است. در این دستورالعمل آیتم‌ها و شاخص‌های مشخص شده و خاصی چه برای فضای فیزیکی مهدهای کودک و چه در بحث نیروی انسانی که شامل مسؤول فنی و مربی است، مشاهده می‌شود. بهزیستی تا امروز چند مرتبه فراخوانی را اعلام کرده و از طرح‌های سازمان‌های گوناگون در این بحث استقبال کرده است، بهزیستی به دنبال یکپارچه‌سازی و ارائه جواز بود و بسیاری از این مراکز نمی‌توانند استانداردهای بهزیستی را اخذ کنند و به صورت غیرمجاز باقی مانده‌اند.

■ چرا بهزیستی با این مراکز برخورد نمی‌کند؟

محمدیان: سازمان باید این مراکز را به اداره اماکن معرفی کند تا با آنها برخورد شود. مواردی بوده که در یک استان نامه پلمب یک مهدکودک غیرمجاز صادر شده و نماینده مجلس آن استان جلوی این کار را گرفته است!
به این موضوع باید به صورت کلان نگاه کرد، باید با اجماعی مناسب از تمام سازمان‌ها یک تصمیم مناسب گرفته شود و همه از قانون تمکین کنند، چرا که همه جزو یک حاکمیت هستند، برخی مهدها وابسته به سازمان‌ها (وابسته به ۱۴ سازمان) هستند که زیر بار قانون بهزیستی نمی‌روند.

حسن‌زاده: زمانی که درباره مهدکودک صحبت می‌کنیم موضوع مهم است، چرا که درباره کودک صحبت می‌کنیم. این موضوع که در حال حاضر متولی آموزش مهدهای کودک آموزش و پرورش، متولی پرورش آن کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و متولی مراقبت و حمایت آن بهزیستی است، تداخلاتی را ایجاد می‌کند، به صورتی که هر سازمانی خود را متولی کودک می‌داند و متاسفانه این تداخل از رسانه تا آموزش و پرورش ادامه دارد. ۱۴ سازمان در این باره فعالیت دارند و از موضوع اصلی یعنی «کودک» غفلت شده است؛ «کودک» در کجای موضوع سازمانی تعریف شده است؟ تا سال ۱۳۹۵ در هیچ قانونی نامی از مهدکودک نبود، در سال ۹۵ اسم مهدکودک در قانون به صورت تفکیک سنی آمد که این نگاه باز هم ایراد دارد و در یک راستا نیست. نگاه به کودکان صفر تا ۶ سال، با نگاه به کودکان ۷ تا ۱۲ سال متفاوت است، زیرا نوع یادگیری هر کدام از این گروه سنی متفاوت است.
باید به گروه صفر تا ۶ سال به صورت یک مقطع سنی یکپارچه نگاه شود، نوع یادگیری کودکان در این سن با توجه به ارتباط با محیط شکل می‌گیرد. کودک در این سن از تمام اطراف خود الگو می‌گیرد اما کودک ۷ تا ۱۲ سال می‌تواند برداشت‌های خود را گروه‌بندی کند. باید نگاه به کودکان صفر تا ۶ سال یک نگاه یکپارچه باشد و این یکپارچگی در تمام سازمان‌های مرتبط رعایت شود. باید نسبت به داشته‌های مهدهای کودک متمرکز شویم و پتانسیل افراد سرمایه‌گذار و علاقه‌مندان به کودک را به دقت بررسی و با یکپارچه‌سازی و هدفمندکردن آنها مسیر رشد و تکامل مهدهای کودک را هموار کنیم. این روزها الگوهای تربیتی تغییر کرده، برای مثال دیگر پدر الگوی پسر برای پیشرفت نیست، خانواده‌های گسترده به خانواده‌های کوچک تبدیل شده‌اند، نقش بستگانی مانند خاله و عمه در زندگی‌ها متفاوت شده، پدران و مادران روش‌های تربیتی گذشتگان را قبول ندارند و متاسفانه روش تربیتی جدید را هم نمی‌شناسند! آموزش‌های تربیتی والدین در مهدهای کودک وجود ندارد، اینها ضعف‌های بزرگ سیستم‌های مهدکودک کشور است، باید تمام این موارد در اسناد و قوانین بالادستی گنجانده شود و نباید مانند امروز هر سازمان به صورت جدا متولی یک بخش باشد. تمام مراکز باید زیرمجموعه یک بخش قرار بگیرد تا بتوان به صورت مناسب یک مهدکودک را مدیریت و ارزیابی کرد. دیگر نمی‌توان با نگاه قدیم موضوعات را ارزیابی کرد و نیازمند به‌روزرسانی قوانین و مقررات در تمام بخش‌های مربوط به کودک هستیم. در اسلام و آموزه‌های دینی نیز نگاه ویژه‌ای به تربیت کودکان وجود دارد. در قرون وسطی در اروپا کودک سربار جامعه بود اما در همان زمان در اسلام توجه زیادی به ارزش کودکان می‌شد و بر آزادی و آموزش کودک تاکید می‌شد. امروز که جامعه شکل خود را به سرعت تغییر داده و نگاه به جامعه متفاوت از گذشته است باید نگاه به کودک نیز به‌روزرسانی شود و به سمتی برویم که هر سازمانی نتواند راه و روش خود را در پرورش کودک به کار گیرد.

■ به نظر شما محتوای آموزشی که این روزها در مهدهای کودک ارائه می‌شود تا چه میزان با استانداردهای لازم یک مهد کودک ایده‌آل فاصله دارد؟

حسن‌زاده: محتوای آموزشی با توجه به سلایق اولیای کودکان انتخاب می‌شود. خانواده‌ها با توجه به شرایط جامعه روش‌های گوناگونی را در پیش می‌گیرند؛ زمانی از این سمت بام افتاده و زمانی نیز از آن سمت بام می‌افتند و توان اجرای یک جهت ثابت و مناسب را ندارند. برای مثال مهدکودک من در جنوب تهران و در شهری واقع شده است و ۷۰ درصد خانواده‌های آن محل کارمند نیستند و کودکان را برای آموزش چند ساعته به مهد می‌آورند. باید در این باره تحقیق و پژوهش زیادی را انجام داد، نمی‌توانیم در ۱۴ هزار مهدکودک در سطح کشور یک یا ۲ نمونه را برای آموزش انتخاب کرد و ملاک عمل قرار داد. بر اساس استاندارد بهزیستی اگر مهد کودکی «سه ستاره» باشد بالای ۷۵ درصد پرسنل و اگر مهدکودکی «چهار ستاره» باشد، تمام پرسنل باید فوق‌دیپلم به بالا انتخاب شوند و حتی اعضای مراقبتی نیز باید دیپلم کودک‌یاری داشته باشند. بیشتر مربیان مهدهای کودک با رشته‌های مرتبط و با مدرک‌های فوق‌دیپلم به بالا هستند و دوره‌های مراقبت از کودک و ضمن خدمت را باید سپری کنند. اهداف آموزشی با ۵ روش بازی، نمایش خلاق، قصه، کاردستی و نقاشی آموزش داده می‌شود؛ این اهداف تلفیقی بوده، یعنی اگر برای کودکی قصه‌ای تعریف شد، آن قصه به صورت نقاشی درمی‌آید، نقاشی را به کاردستی تبدیل می‌کنند و برای کاردستی داستان می‌نویسند و آموزش به صورت هدفمند است و کودک مانند قدیم تنها در حالت بازی و شادی رها نمی‌شود.

■ یکی از مواردی که مطرح می‌شود به‌روزرسانی استانداردهای آموزشی با توجه به تغییرات امروز جامعه است، این به‌روزرسانی هر چند وقت یک بار انجام می‌شود؟

ثمودی: در حال حاضر مربی قبل و در زمان کار باید دوره‌های آموزشی را طی کند اما در بحث نظارت، آیا دانش مربیان فعلی کافی است؟ آیا دانشی که به مربیان ارائه شده کاربردی است؟ نظارت‌های بهزیستی بیشتر فصلی بوده و غیر از آن به صورت موردی است. فرمت‌هایی برای نظارت در ۵ محور تهیه شده‌است که عبارتند از: بهداشت، ایمنی (نخستین نکاتی که باید در هر مهدکودک به آنها توجه شود بهداشت و ایمنی است، زیرا باید امنیت و بهداشت وجود داشته باشد تا بتوان وارد فاز آموزشی شد)، فیزیک ساختمان، آموزش و کارکنان. تمام این آیتم‌ها قابل بررسی است و اگر نواقصی در هر کدام از این بخش‌ها وجود داشته باشد یا هر مجموعه توان خدمت بیشتر داشته باشد با مدیران مجموعه‌ها در میان گذاشته شده و به آنها در این باره تذکر داده می‌شود.

پورحسین: این محتواها چه نسبتی با آموزش و پرورش دارد؟ آیا آموزش و پرورش متولی محتواست؟ این محتوا چه نسبتی با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان دارد؟ برای مثال سیاست‌های آموزش و پرورش بر اساس رشدمحوری است، سیاست‌های مهدهای کودک نیز رشدمحور است. این رشدمحوری در این دو نهاد آیا همراستاست یا هرکدام راه خود را می‌روند؟ کدام سیاست درست است؟ کودک یکپارچه است و آموزش هم باید یکپارچه باشد و آموزش‌ها نباید استانداردها و روش‌های گوناگون داشته باشد. اینکه شما به بحث آموزش در مهدهای کودک اشاره می‌کنید، آموزش بر مبنای چه اصولی است؟ آیا در یک راستا و در یک خط واحد با سیاست‌های کلان آموزش و پرورش قرار دارد؟

حسن‌زاده: آموزش بر اساس تحصیلات دانشگاهی است که مربیان طی کرده‌اند؛ در دانشگاه رشته مربی کودک، پیش‌دبستانی و آموزش دبستان داریم. نگاه کودک برداشت از محیط در این سن بوده که در آموزش‌های ما بخش اخلاقی نیز دیده شده است. ضمن اینکه در تمام مهدهای کودک از لحاظ اعتقادی هم با کودکان کار می‌کنند.

محمدیان: درباره محتوا برای مهدهای کودک، طبق قانون مجلس مصوب سال ۹۵ این موضوع با وزارت آموزش و پرورش است. قبل از این قانون نیز در ۸ سال سازمان بهزیستی حداقل‌های محتوایی مهدها را تعریف کرده بود که برای نخستین‌بار ۶ کتاب برای طرح کار مربی و یک کتاب برای فرآیند یادگیری با همکاری دانشگاه علوم بهزیستی و سازمان بهزیستی تالیف شد و در اختیار مراکز و مهدها قرار گرفت. از سال ۹۵ با توجه به مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش و مصوبه مجلس، سازمان بهزیستی محتوایی را ابلاغ می‌کند که تاییدیه وزارت آموزش و پرورش را داشته باشد. این محتوا در ۳ حوزه رشد و تحول، مفاهیم دینی و ارزیابی ارائه شده و برنامه آموزشی کودک بر پایه این سه اصل است. مهدهای کودک فعلی که زیر نظر بهزیستی فعالیت دارند ملزم هستند از این محتوا استفاده کنند، البته شاید تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کودک اقتضائات خاصی را ایجاد کند که در آن صورت برنامه‌های بیشتری برای آموزش کودک ارائه می‌شود اما همان‌گونه که عرض کردم ابتدا باید آموزش‌های ابلاغی آموزش و پرورش ارائه شود.

■ با توجه به این موضوع، محتوای آموزشی باید نزدیک به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش باشد؟

پورحسین: بله! باید نزدیک باشد اما همچنان داستان یک خط ادامه دارد، همه کتاب‌ها برای انتشار به سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها) می‌رود اما چه کتابی و بر اساس چه اصولی به سمت می‌رود؟ بر مبنای سند برنامه تربیتی آموزشی عجین شده و رشد یکپارچه جایی نوشته شده است و این ارتباطی با بهزیستی و مهدهای کودک ندارد.

مجلس در دی‌ماه سال ۹۵ تا حدودی تکلیف را مشخص کرد. نمایندگان در تبصره ۲ ماده ۲ قانون مدارس غیردولتی، تعیین شاخص‌های آموزشی و پرورشی و تدوین محتوا و نظارت بر مهدهای کودک از حیث آموزشی و پرورشی را به وزارت آموزش و پرورش و صدور مجوز و ارائه برنامه را به سازمان بهزیستی محول کردند. پس از تصویب این قانون قرار شد تا ۳ ماه بعد آیین‌نامه اجرایی این مصوبه نوشته شود و سپس در هیات وزیران تصویب و لازم‌الاجرا شود تا کشمکش‌های چند ساله خاتمه یابد. پس از این در اردیبهشت ماه سال جاری در کمیته فرعی کمیسیون اجتماعی دولت ۶ جلسه برای بررسی آیین‌نامه پیشنهادی برگزار شد اما متاسفانه تعیین تکلیف نشد. این موضوع باعث شده کماکان این حوزه (کودک) بلاتکلیف بماند

■ کارشناسان محترم، جمع‌بندی شما از مباحث مطرح شده چیست؟

قاسم‌زاده: شورای عالی انقلاب فرهنگی نه‌تنها در زمینه پیش‌دبستانی، بلکه در زمینه‌های دیگر مواردی را مطرح کرده اما هیچ اقدامی برای ساماندهی آنها انجام نمی‌دهد و دلایل مستندی نیز برای این اشکالات ارائه نمی‌دهد، شاید هم این موارد بر مبنای پژوهش و تحقیق نیست که به حال خود رها می‌شود. برای مثال، شورای عالی انقلاب فرهنگی پیمان‌نامه فرهنگی کشور را به‌رغم تصویب در مجلس و تایید آن در شورای نگهبان، تایید و اجرایی نمی‌کند و چیزی را نیز جایگزین آن نمی‌کند. مراکز آموزشی در خلأ رشد نمی‌کنند، در بحث مهدهای کودک نیز آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی نظر نزدیکی دارند. مواردی را در آموزش مفاهیم دینی مطرح می‌کنند، در صورتی که اگر حجم مفاهیم دینی آموزش داده شده و سن کودکان را مورد ارزیابی دقیق قرار دهند خلأیی در این زمینه وجود ندارد. اگر در این زمینه خلأ وجود دارد، شورای عالی انقلاب فرهنگی برنامه ارائه دهد.

محمدیان: آرزوی ما این است که در حوزه قبل از دبستان یعنی مقطع صفر تا ۶ سال یک مدیریت یکپارچه توسط نهاد مستقلی انجام شود و سیاست‌گذاران کلان جامعه فرهنگی باید این نهاد را انتخاب کنند و بقیه سازمان‌ها زیرمجموعه آن در موضوع آموزش کودکان قرار بگیرند.

پورحسین، فعال حوزه کودک: داستان مهدهای کودک این روزها پر از آسیب است که در شأن نظام تحولی جمهوری اسلامی نیست. دلیل مهم این آسیب‌ها همان‌طور که اشاره شد نبود یک اندام‌وارگی است. به همین دلیل فکر می‌کنم پیش از اینکه آسیب‌ها را احصا کنیم، باید چرایی به وجود آمدن آسیب را بررسی کنیم، زیرا تا زمانی که دلیل ایجاد آسیب‌ها مشخص و حل نشود، این مسیر اشتباه همچنان ادامه خواهد داشت. در حال حاضر یک سیر تکامل و رشد برای کودک وجود دارد که در این سیر خانواده، مهد کودک و آموزش و پرورش وجود دارند. متاسفانه در این بین یک انفکاک شکل گرفته است.

قاسم‌زاده، فعال حوزه کودک: اگر بخواهیم موضوع آسیب‌ها و چالش‌های مهدهای کودک را بررسی کنیم، باید از ابعاد گوناگون این موضوع را ارزیابی کرد. یکی از مهم‌ترین موضوعات مربوط به مهدهای کودک میزان پوشش کودکانی است که در رده سنی مهد کودک قرار دارند. کودکان بسیاری از رفتن به مهدهای کودک باز مانده‌اند، دلیلش هم این است که مهدهای کودک دولتی نیستند و توسط بخش خصوصی اداره می‌شوند. میزان پوشش کودکانی که در این رده سنی هستند متاسفانه در شأن نظام نیست، چرا که برخی خانواده‌ها به دلیل مشکلات اقتصادی و فقر نمی‌توانند کودکان‌شان را به مهد بفرستند.

کرمی، کارشناس کانون پرورش فکری کودکان: اطلاعاتی که من درباره وضعیت مهدهای کودک ارائه کردم مربوط به ۶۰ مرکز مرتبط با کانون پرورش فکری کودکان است که در سطح شهر تهران هستند. در این مراکز نشست‌های مشترکی را با والدین برگزار می‌کنیم. در نشست‌هایی که تا به حال برگزار شده به این نتیجه رسیدیم که والدین از آموزش‌های ارائه شده در مهدهای کودک رضایت کامل ندارند. با توجه به نوع فعالیت مهدهای کودک کنونی، بیشتر به نگهداری کودک توجه می‌شود تا تعلیم و تربیت. درست است که با توجه به شرایط فعلی جامعه که زنان دوشادوش مردان در حال فعالیت هستند، خانواده‌ها نیاز به مراکز مراقبت از کودکان دارند اما نباید تمام فعالیت‌ها به این یک مقوله ختم شود.

حسن زاده، مدیر یک مهد کودک: محتوای آموزشی با توجه به سلایق اولیای کودکان انتخاب می‌شود. خانواده‌ها با توجه به شرایط جامعه روش‌های گوناگونی را در پیش می‌گیرند؛ زمانی از این سمت بام افتاده و زمانی نیز از آن سمت بام می‌افتند و توان اجرای یک جهت ثابت و مناسب را ندارند. برای مثال مهدکودک من در جنوب تهران و در شهری واقع شده است و ۷۰ درصد خانواده‌های آن محل کارمند نیستند و کودکان را برای آموزش چند ساعته به مهد می‌آورند. باید در این باره تحقیق و پژوهش زیادی را انجام داد، نمی‌توانیم در ۱۴ هزار مهدکودک در سطح کشور یک یا ۲ نمونه را برای آموزش انتخاب کرد و ملاک عمل قرار داد.

محمدیان، مسؤول کانون مهدهای کودک تهران: باید توجه کنیم که امروز در حوزه کودک خلأ قانون‌گذاری داریم. چه در اسناد بالادستی و چه در قانون اساسی آنطور که باید حوزه کودک دیده نشده است. با این حال اگر قرار باشد مهدهای کودک را آسیب‌شناسی کنیم باید به یکسری موارد توجه کنیم. بر اساس آخرین آمار، ۱۵ هزار و ۲۰۰ مهدکودک در کشور وجود دارد که به ۳ شاخه مهدهای کودک شهری، روستایی و حاشیه شهر گروه‌بندی می‌شوند. از این تعداد حدود ۷ هزار مهدکودک شهری است که از این تعداد حدود ۸۰۰ مهدکودک در استان تهران قرار دارد.

ثمودی، مسؤول مهد کودک‌های بهزیستی تهران: در حال حاضر مربی قبل و در زمان کار باید دوره‌های آموزشی را طی کند اما در بحث نظارت، آیا دانش مربیان فعلی کافی است؟ آیا دانشی که به مربیان ارائه شده کاربردی است؟ نظارت‌های بهزیستی بیشتر فصلی بوده و غیر از آن به صورت موردی است. فرمت‌هایی برای نظارت در ۵ محور تهیه شده‌است که عبارتند از: بهداشت، ایمنی (نخستین نکاتی که باید در هر مهدکودک به آنها توجه شود بهداشت و ایمنی است، زیرا باید امنیت و بهداشت وجود داشته باشد تا بتوان وارد فاز آموزشی شد)، فیزیک ساختمان، آموزش و کارکنان. تمام این آیتم‌ها قابل بررسی است.